

دولت جدید برزیل اخیراً در يك چرخش تمام عيار الكوی اقتصادی خود را به يك سیستم باز اقتصادی متكي بر برآمدهای ارزی حاصل از صادرات تغییر داده است. اهمیت این مسئله از آنجاست كه برزیل همواره الكوی برجسته برای بررسی نتایج استراتژی اقتصادی مبتنی بر جایگزینی واردات بوده است.

نویسنده در این مقاله نظری و گزری داشته است به سیر تحولات کشورهای امریکای لاتین و تأثیر این تحولات در سیاستهای اقتصادی این کشورها.

سی و چند سال پیش از این، وقوع حادثه‌ای غیر معمول در یکی از جزایر کارائیب، ناگهان آمریکای لاتین را به یکی از کانونهای توجه افکار عمومی جهان بدل ساخت؛ حرکت برق

آسای مشتتی انقلابی دو آتشه به رهبری يك ناسیونالیست جوان - كه بعدها به سوسیالیزم گرید - منجر به سرنگونی دیکتاتوری باتیستا و قبضه قدرت سیاسی توسط وی و یاران جوانش گردید.

نام کوبا و داستان پر جاذبه «جنگ شکر در کوبا» ناگهان بر سر زبانها افتاد، مباحثات آغاز گشت، نگاهها معطوف آن شد، ژان پل سارتر آنرا به قلم آورد، رژه دبره در تداوم امسواج آن در برلیوی شخصاً شرکت کرد و سپس به یکی از ستایشگران آن بدل شد، امید تکرار این خوش اقبالی استراتژیک، بسیاری را ابتدا در امریکای لاتین و پس از آن در دیگر نقاط جهان سوم به شرکت در تجربه کاسترسیم کشاند، تجربه‌ای كه اغلب بهایی گزاف به همراه داشت، بسیار گزاف! کوبا سمبل امریکای لاتین شد و امریکای لاتین الكوی روشنفکران جهان سوم ولی این تنها یکی از وجوه تاریخی ماجرا بود.

انقلاب کوبا باعث به حرکت در آمدن امسواج احساسات سوسیالیستی در تمام کشورهای تیمه جنوبی دنیای جدید شد و در نتیجه طیف وسیعی از برداشتهای متنوع نسبت به این اندیشه در تمامی حوزه‌های اجتماعی اعم از اقتصاد سیاست، فرهنگ و... پدید آمد. دولتها و برنامه‌ریزان نیز به تبع گسترش این گرایشات، خواه‌ناخواه تحت تأثیر بنیادها و الگوهای تفکر سوسیالیستی قرار گرفته و جنبه‌هایی از آنرا بکار می‌بستند.

یکی از نتایج این روند، انتشار الگوهای اقتصادی مبتنی بر مدل جایگزینی واردات در



چرخش اقتصادی برزیل سرنوشت سیرا مائسترا

در سائوپائولو

آگاه کردن افکار عمومی کوبا از تحولات شگرف اروپای شرقی و نتایج گلاسنوست گورباچف و نیز اعتراف غمبار کاستروی کهنسال! به تنهایی کوبا.

دهه‌ها یکی پس از دیگری سپری شده‌اند، رژه دبره دیرسیت «نقد سلاح» خود را منتشر کرده و پس از آن به جمع مشاورین فرانسوامیتران پیوسته است، دیکتاتوری پینوشه نه با توسل به خشونت و سوسیالیزم بلکه با به حرکت در آمدن امسواج تازه‌ای از اراده جسمی عصب نشسته است، قدرتی كه از لوله داغ سلاح فرزندان ساندینو در نیکاراگوا بیرون آمده بود در برابر چشمان حیرت زده یاران اورتگا عاقبت در دستهای ظریف خانم ویولتاچامورو قرار گرفت و ...

در مسیسانه این گسردباد سرگیجه آور، برزیل هم دیگر غاد موفق مدل اقتصادی

جایگزینی واردات نمی‌تواند باشد. این تجربه در پر قدرت‌ترین نقطه خود با ناکامی مواجه شده و جای خود را به استراتژی مبتنی بر اقتصاد باز متكي بر صادرات داده است، به فزاینده‌ای از برنامه نوین برزیل منتشره توسط دولت این کشور در انتهای ۱۹۹۰ توجه کنید:

اقتصاد برزیل تا پیش از مارس ۱۹۹۰ آشکارا بی‌سازمان بود... تورم تا حد مخاطره آمیز ۷۲/۸٪ بالا رفته بود...

تولیدات صنعتی روند نزولی خود را طی می‌کردند...

میزان GDP (تولید ناخالص ملی) از ۲۰٪ در سالهای هفتاد به ۱۷٪ در سال ۱۹۸۹ رسیده بود کسری درآمد در بخش دولتی، سیاست تثبیت قیمتها و حقوقها، بانک مرکزی را به سیاستی انفعالی واداشته بودند و این وضعیت به نوبه خود آب به آسیاب تورم اقتصادی می‌ریخت.

سیاستهای حمایت‌گرانه اقتصادی و فقدان رقابت خارجی ناشی از آن، پارآوری اقتصادی را در صنایع داخلی به نزول کشانیده بود...

امروز دیگر، با يك نگاه می‌توان تصویر تاریخی شعله‌ای را كه، سیرامائسترا را، به آتش کشید در چرخش اقتصادی سائوپائولو باز یافت، تصویری كه واقعیتهای تازه جهانی هستند کاملاً وارونه بدان بخشیده‌اند!

اقتصادهای منطقه می‌باشد؛ مشخصه‌های اصلی این درون‌گرایی اقتصادی مبتنی بر مکانیسم‌های افزایش تولیدات ملی برای بازار داخلی و نه بازارهای خارجی با هدف به حداقل رساندن واردات و ایجاد يك سیستم نسبتاً بسته اقتصادی میباشد؛ مدل اقتصادی جایگزینی واردات، طی سالها، مرز بندی‌های موجود بین رژیمها را در هم شکسته و کشورهای بسیاری با رژیمهای سیاسی مختلف دهه‌های ۶۰ و ۷۰ آن را برای خود برگزیدند، برخی به دستاوردهای محدود مقطعی دست یافته و گروهی دیگر از همان آغاز تجربه با شکست مواجه گشتند. اما از میان آنها برزیل همواره به عنوان خوش‌شانس‌ترین نمونه برای مدافعين این نظریه به حساب می‌آمد.

تمامی سالهای دهه ۷۰ شاهد تخصیص حجم عظیمی از سرمایه‌گذارهای ملی در این کشور برای ایجاد يك ساختار اقتصادی مبتنی بر جایگزینی واردات می‌باشد. از سوی دیگر طی سالهای این دهه و حتی پس از آن هزاران مقاله، کتاب، گزارش و تحلیل در باره تجربه برزیل بچاپ رسیده كه همگی این بزرگترین کشور امریکای جنوبی را مناسبترین عرصه شکوفایی آن مدل اقتصادی دانسته‌اند

الگوی تازه

چند روزی است كه دهه هشتاد را تماماً پشت سر نهاده‌ایم. خلیج خوكهسا آرام است امسا سیرامائسترا^۱ مغرور، خاطره‌ای تلخ را با خود بلك می‌كشد؛ هجوم اطلاعاتی ماهواره‌ها برای

۱- منطقه‌ای کوهستانی كه اول بار کاسترو و بارانش مجرم انقلابی خود را بسوی هائوانا از آنجا آغاز کردند.